

مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و چهارم، شماره پیاپی ۹۱، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۴۲-۱۰۹

قواعد عمومی حاکم بر قراردادهای بهره‌برداری از حقوق ادبی و هنری در ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و مصر*

سید محمد مهدی قبولی درافشان

استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

Email: ghaboli@um.ac.ir

دکتر سعید محسنی

استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

Email: s-mohseni@um.ac.ir

چکیده

اهمیت قراردادهای بهره‌برداری از حقوق ادبی و هنری، در برخی از نظام‌های حقوقی همچون فرانسه، به وضع مقررات عمومی و مشترک در خصوص تشکیل قراردادهای مزبور منتهی گردیده است. لیکن تاکنون در نظام حقوقی ایران بخش مستقلی برای تبیین قواعد مشترک حاکم بر این دسته از قراردادها اندیشیده نشده است. برخلاف پیش‌بینی برخی تشریفات از قبیل کتبی بودن قرارداد در حقوق فرانسه و مصر، در نظام حقوقی ایران تشکیل قرارداد بهره‌برداری هیچ‌گونه تشریفات ندارد. در نظام‌های حقوقی مزبور، انعقاد قراردادهای بهره‌برداری از حقوق مادی پدیدآورنده، توسط نمایندگان قراردادی یا قانونی وی امکان‌پذیر است؛ لیکن اعمال جنبه‌های معنوی آمیخته به آن در صلاحیت شخص پدیدآورنده می‌باشد. همچنین اصولاً انتقال کلی آثار آینده باطل دانسته شده است. به علاوه باید قلمرو موضوعی و انواع حقوق انتقالی، کمیت آن و کیفیت و شیوه بهره‌برداری از اثر تعیین گردد. در خصوص قراردادهای معاوضی بهره‌برداری از حقوق ادبی و هنری، در حقوق فرانسه، اصل لزوم مشارکت پدیدآورندگان در عواید بهره‌برداری از اثر خود پیش‌بینی شده است در حالی که در نظام حقوقی مصر امکان مشارکت نسبی، تعیین مبلغی مقطوع و یا ترکیبی از آن وجود دارد. در حقوق ایران مقررات ویژه‌ای در این خصوص پیش‌بینی نشده و موضوع مشمول قواعد عمومی است.

کلید واژه‌ها: مالکیت فکری، آثار ادبی و هنری، قرارداد بهره‌برداری، حقوق مادی، پدیدآورنده.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۰۶/۰۸؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۰/۰۹/۲۹. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی شماره ۱۰۰/۵۳۳ پ است که با حمایت مالی دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده و بدین وسیله از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد و ریاست محترم پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، تشکر می‌شود.

مقدمه

مالکیت‌های فکری که امروزه از مهم‌ترین انواع حقوق به‌شمار می‌آید، دارای انواع متعددی است که به دو دسته اصلی مالکیت‌های ادبی و هنری^۱ و مالکیت‌های صنعتی^۲، تقسیم می‌شود. هر یک از این دو دسته نیز دارای اقسامی است. از میان این دو دسته، مالکیت‌های ادبی و هنری به ویژه با توجه به تکیه‌ای که بر فرهنگ و اندیشه دارد، از جایگاه ویژه‌ای در عرصه ملی و بین‌المللی برخوردار است.

امروزه قانونگذاران برای حمایت از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری، حقوق مادی و معنوی ویژه‌ای در نظر گرفته‌اند که نظام حقوقی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. با توجه به شناسایی حق انحصاری هرگونه بهره‌برداری از اثر برای پدیدآورنده، مسئله واگذاری تمام یا قسمتی از حقوق مادی متعلق به پدیدآورنده و قراردادهای مرتبط با آن امروزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده، قواعد مربوط به انتقال حقوق مزبور دارای ظرافت‌هایی است. برخی از قواعد مزبور دارای گستره عام بوده، اصولاً بر کلیه قراردادهای انتقال حقوق بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری حاکم است. در مقابل برخی محدود بوده، ناظر بر قراردادهای خاصی است. در برخی از نظام‌های حقوقی، قانونگذار به هردو جنبه مزبور توجه داشته، از سویی به وضع مقررات عمومی و مشترک درباره قراردادهای انتقال حقوق بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری پرداخته و از سوی دیگر از قواعد اختصاصی قراردادهایی چون قرارداد انتشار^۳، قرارداد عرضه^۴ و قرارداد تهیه اثر شنیداری-دیداری^۵ و غیره سخن گفته است. به عنوان نمونه در قانون مالکیت فکری فرانسه مصوب ۱۹۹۲ م. با اصلاحات بعدی، مواد L131-1 تا L131-9 به قواعد مشترک اختصاص یافته و در مواد L132-1 تا L132-45 از احکام اختصاصی برخی از قراردادهای ویژه سخن گفته است.

با این همه در نظام حقوقی ایران به رغم شناسایی حقوق ادبی و هنری و پذیرش انتقال ارادی حقوق مادی پدیدآورنده^۶، بخش مستقلی برای تبیین قواعد مشترک و ویژه در خصوص

^۱- la propriété littéraire et artistique.

^۲- la propriété industrielle.

^۳- Le contrat d'édition.

^۴- Le contrat de représentation.

^۵- Le contrat de production audiovisuelle.

^۶- انتقال ارادی حقوق مزبور بر اساس ماده پنج قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، ماده یک قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ و ماده نه قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه ای مصوب ۱۳۷۹، مورد پذیرش قانونگذار ایران قرار گرفته است.

قراردادهای پیش گفته به چشم نمی‌خورد.

این جستار درصدد است با رویکردی فقهی-حقوقی، با استفاده از دستاوردهای ارزشمندی که فقیهان امامی و حقوقدانان در عرصه قواعد عمومی حاکم بر قراردادها ارائه نموده‌اند، به بررسی قواعد مشترک حاکم بر قراردادهای بهره‌برداری از حقوق ادبی و هنری بپردازد. بدیهی است بررسی موضوع در نظام‌های حقوقی‌ای که مقرراتی در این زمینه وضع نموده‌اند، ضمن فراهم آوردن زمینه مناسب‌تر برای تبیین موضوع، موجب شناسایی بهتر نقاط قوت و خلأهای نظام حقوقی ایران می‌گردد.

در این راستا، از دستاوردهای نظام حقوقی فرانسه به عنوان یک نظام حقوقی پیشگام در این خصوص بهره خواهیم گرفت. همچنان که به مناسبت، از دستاوردهای تقنینی و دکترینی نظام حقوقی مصر که در بین نظام‌های حقوقی کشورهای عربی، در عرصه حقوق ادبی و هنری پیشگام بوده، نیز استفاده خواهیم نمود.

هر چند انتقال ارادی حقوق ادبی و هنری ممکن است در قالب‌های حقوقی مختلف انجام شود لیکن همچون سایر موارد انتقال ارادی، مشمول قواعد عمومی قراردادهاست^۱. مهم‌ترین قواعد عمومی قراردادها مربوط به قصد و رضای طرفین، اهلیت ایشان، شرایط مربوط به موضوع قرارداد و نیز مشروعیت جهت قرارداد است. به همین جهت ماده ۱۹۰ قانون مدنی در مقام بیان شرایط اساسی صحت قراردادها مقرر نموده است: «برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است: ۱- قصد طرفین و رضای آن‌ها. ۲- اهلیت موضوع. ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد. ۴- مشروعیت جهت معامله.»

بنابراین برای انعقاد قرارداد انتقال حقوق مادی پدیدآورنده آثار ادبی و هنری نیز شرایط مزبور بایسته است. البته باید توجه داشت که قراردادهای مورد نظر با توجه به ماهیت خاص حقوق ادبی و هنری، چهره‌ای ویژه داشته که تطبیق شرایط اساسی مذکور در ماده ۱۹۰ بر آن مستلزم بررسی بیشتر است. اهمیت این مسئله هنگامی آشکارتر می‌گردد که به این نکته مهم توجه شود که قراردادهای مورد نظر از سویی با حقوق مادی و حقوق معنوی پدیدآورنده در ارتباط است و باید تأثیر قرارداد مزبور را بر حقوق مذکور جستجو نمود و از سوی دیگر با منافع بهره‌برداران و سرمایه‌گذاران (که مایل به انتفاع و بازگشت سرمایه خود هستند) و نیز منافع جامعه (که در تشویق پدیدآورندگان و نیز بهرمندی از محصولات فرهنگی مناسب نهفته

^۱ - قواعد عمومی قراردادها عموماً در مواد ۱۸۳ تا ۳۰۰ قانون مدنی بیان گردیده است.

است)، ارتباطی وثیق دارد.

در میان شرایط صحت قرارداد، شرط اهلیت و مشروعیت جهت قرارداد انتقال حقوق مادی پدیدآورنده، چهره‌ای ویژه و خاص نداشته، بررسی آن در این مقام ضروری به نظر نمی‌رسد. لیکن مسائل مربوط به اراده (مبحث نخست) و موضوع (مبحث دوم) در قراردادهای بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری، دارای ویژگی‌های خاصی است که شایسته بازخوانی و مستلزم بررسی مستقل است.

مبحث نخست: بررسی شرط اراده در قراردادهای بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری

درخصوص شرط اساسی «اراده» باید گفت، قرارداد ماهیتی ارادی داشته، از توافق اراده‌ها تشکیل می‌شود. به‌همین جهت برای انعقاد و صحت هر قراردادی، وجود اراده و توافق اراده‌ها لازم است. اراده در حقوق ایران متشکل از قصد و رضاست. فقدان قصد، موجب عدم تشکیل قرارداد و نبود رضا باعث عدم نفوذ آن خواهد بود. (در این خصوص ر. ک: کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ۲۱۹/۱؛ صفایی، ۶۲/۲-۶۳؛ شهیدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، ۱۳۷-۱۳۸؛ همو، حقوق مدنی (۳)، ۲۴؛ محقق داماد و دیگران، ۲۲۹/۱ به بعد.) باید توجه داشت برای تشکیل قرارداد، علاوه بر قصد و اراده باطنی، ابراز و اظهار اراده نیز لازم است. البته ابراز اراده جز در موارد استثنائی، تابع شیوه و شکل خاصی نیست. به دیگر سخن در حقوق ایران، اصل بر رضائی بودن قراردادهاست. به علاوه اصولاً انعقاد قرارداد از طریق نماینده نیز امکان پذیر است، هرچند ممکن است قانونگذار در مواردی این امر را تجویز ننماید. در خصوص قراردادهای بهره‌برداری از حقوق مادی پدیدآورنده، برخی از نظام‌ها در مورد ابراز اراده، تشریفات خاصی را مقرر نموده‌اند که نیازمند بررسی است (بند نخست). همچنین با توجه به برخورداری پدیدآورنده حقوق معنوی و تأثیر آن در اجرای حقوق مادی، امکان دخالت نماینده قانونی یا قراردادی در انعقاد قرارداد محل تأمل و مستلزم بررسی است. (بند دوم)

بند نخست: ابراز اراده

در برخی نظام‌های حقوقی، اعلام اراده در مورد این قراردادها شیوه خاص داشته، کتبی بودن آن لازم دانسته شده است. در ماده ۲-۱۳۱L قانون مالکیت فکری فرانسه، از لزوم به‌کارگیری نوشته در مورد قراردادهای عرضه، انتشار و تولید آثار شنیداری-دیداری سخن گفته

شده است. همین حکم در مورد اجازه‌های مجانی اجرا نیز جاری است.^۱ همچنین به موجب ماده 3-131 آن قانون، واگذاری حقوق اقتباسی درخصوص آثار شنیداری-دیداری باید در قالب قرارداد مکتوب انجام شود.^۲ ماده 7-132 قانون مزبور نیز در مورد قرارداد انتشار، رضایت مکتوب پدیدآورنده را لازم دانسته است. باید توجه داشت رویه قضایی فرانسه و دکترینی که امروزه حاکم است، شرط کتبی بودن قرارداد را به عنوان شرطی اثباتی به شمار می‌آورد و لزوم آن را مخصوص قراردادهای خاص مذکور در مواد یاد شده می‌داند. (همچنین ر.ک: کلمبه، ص ۱۶۸) (cf. Pollaud-Dulian, p. 581, n° 948; Lucas, p. 396, n° 487) این برداشت با توجه به تعبیر "doivent être constatés par écrit" در متن ماده 2-131 و نیز تأکید ماده مزبور به لزوم رعایت مواد ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ قانون مدنی فرانسه در باب دلیل اثباتی شهادت، قابل استنباط است.

این شرط برای حمایت از پدیدآورنده که طرف ضعیف قراردادهای بهره‌برداری به شمار می‌آید، مقرر شده است. به همین جهت طرف مقابل نمی‌تواند در مقابل پدیدآورنده به دلیلی غیر از نوشته، استناد نماید. اما پدیدآورنده در شیوه اثبات آزاد بوده، می‌تواند به هر دلیلی برای اثبات وجود قرارداد استناد نماید. (Pollaud-Dulian, 581, n° 948)

البته باید توجه داشت که در حقوق فرانسه به موجب بند دوم ماده 3-131 قانون مالکیت فکری فرانسه، چنانچه شرایط خاص اقتضاء نماید، قرارداد ممکن است به وسیله تلگرام منعقد گردد، به شرطی که قلمرو بهره‌برداری از حقوق انتقال یافته به صورت کامل آن گونه که در بند یک این ماده مقرر شده، معین گردد. دکترین فرانسه (Pollaud-Dulian, 581, n° 948; Lucas,) (397, n° 489) با تفسیر موسع، جواز استفاده از تلگرام در ماده مزبور را به شیوه‌های جدیدتر همچون فاکس و نوشته‌های الکترونیکی نیز توسعه داده‌اند.

همچنین تذکر این نکته نیز ضروری است که در حقوق فرانسه در برخی موارد، کتبی بودن قرارداد شرط صحت آن است. در مورد قرارداد توثیق حق بهره‌برداری نرم‌افزار، به موجب

^۱ - به موجب بند دوم ماده 2-131 قانون مالکیت فکری فرانسه، سایر قراردادهای مشمول احکام مقرر در مواد ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ قانون مدنی فرانسه (درخصوص اثبات از طریق شهادت) می‌باشد.

^۲ - همان گونه که برخی از نویسندگان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 581, n° 947) گفته‌اند، واگذاری حقوق اقتباسی درخصوص آثار شنیداری-دیداری مشمول حکم مذکور در فوق (لزوم کتبی بودن قرارداد) می‌باشد و سایر قراردادهای واگذاری حقوق اقتباسی مشمول قواعد عمومی حاکم بر سایر قراردادهای بوده، نیاز به کتبی بودن قرارداد نیست. هرچند ایشان توسعه شرط کتبی بودن توسط قانونگذار، به تمام قراردادهای مرتبط با حق پدیدآورنده را شایسته و مرجح می‌دانند.

کتبی بودن ناظر به فرضی است که پدیدآورنده حقوق مالی خود را به دیگری منتقل می‌نماید. اما در فرضی که صرفاً حق بهره‌برداری از اثر را برای ناشر ایجاد می‌نماید، قرارداد مزبور رضایی بوده، با ایجاب و قبول منعقد می‌گردد و تابع شکل خاصی نیست. (سنه‌وری، ۳۲۹/۷)^۱ همان‌گونه که بیان گردید در فقه و حقوق ایران در مورد قراردادهای بهره‌برداری، احکام و مقررات ویژه‌ای وجود ندارد. به همین جهت برای پاسخ دادن به مسئله نحوه ابراز اراده در این دسته قراردادهای، باید به قواعد عمومی معاملات و قراردادهای مراجعه نمود. در خصوص نحوه ابراز اراده، فقه تحولاتی به خود دیده، به گونه‌ای که در گذشته فقیهان (علامه حلی، قواعد الاحکام، ۱۶/۲؛ همو، نهاية الاحکام، ۴۴۸/۲؛ محقق کرکی، ۵۷/۴؛ ابن طی الفقہانی، ۱۰۷؛ طباطبائی، ۱۱۲/۸-۱۱۳؛ حسینی عاملی، ۴۸۳/۱۲ به بعد) از لزوم ابراز اراده در قالب الفاظ سخن می‌گفتند و حتی تحت تأثیر همین واقعیت، کتبی با عنوان «صیغ العقود»^۲ به رشته تحریر درآمده است. لیکن به تبع تحولات عرفی در عرصه قراردادهای و با توجه به اتصالات و عموماً حاکم بر قراردادهای از قبیل شریفه «أوفوا بالعقود» و امثال آن که هرگونه قیدی در خصوص تشریفات ابراز اراده در قراردادهای را نفی می‌کند، در نظریات فقیهان شاهد پذیرش بیع معاطاتی و سایر معاملات معاطاتی (انصاری، المکاسب، ۴۲/۳؛ خوئی، مصباح الفقاهة، ۱۶۸/۲، ۱۷۳ و ۱۸۳؛ خمینی، ۲۶۶/۱-۲۶۷؛ روحانی، فقه الصادق(ع)، ۲۲۷/۱۵-۲۳۰ و ۳۰۴؛ همو، منهاج الفقاهة، ۶۱/۳-۶۲؛ قدیری، ۲۷، ۳۸ و ۴۹) و نیز نفی هرگونه تشریفات برای ابراز اراده و انعقاد قرارداد جز در مواردی که دلیل خاصی بر خلاف آن دلالت داشته باشد (روحانی، فقه الصادق(ع)، ۱۸/۱۹-۱۹ و ۲۷۴؛ قدیری، ۲۷ و ۴۹؛ حسینی حائری، ۸۱/۲؛ همچنین رک. خوئی، محاضرات، ۲۱۵/۱-۲۱۶؛ مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ۳۶۱/۱۰-۳۶۲)^۳، هستیم.^۴

^۱ - برای ملاحظه تفاوت عقد نقل و عقد نشر در حقوق مصر، رک: (سنه‌وری، ۳۲۷/۷، پاورقی ۱).

^۲ - مانند کتاب صیغ العقود و الإیقات نوشته شیخ مرتضی انصاری (انصاری، صیغ العقود) و کتاب صیغ العقود و الإیقات نوشته ملا علی قاری قزوینی (قاری قزوینی، قاری قزوینی، کتاب جواهر الکلمات فی صیغ العقود و الإیقات نوشته شیخ مفلح بن حسن ضیمری(رک. سید بن طاووس، ۹۶) و کتاب شرح رساله صیغ العقود و الإیقات نوشته نور الدین علی بن عبد العالی میسی عاملی(رک. میرزای نوری، ۲۷۲/۲)

^۳ - لازم به ذکر است که برخی (سید مصطفی محقق داماد و دیگران، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۷۰) ادعا نموده‌اند که رویکرد فقیهان در نفی تشریفات و اکتفا به هرگونه وسیله متعارف اعلام اراده، از زمان محقق اردبیلی آغاز شده است.

^۴ - برای مطالعه بیشتر در خصوص تحول آراء فقیهان امامی درباره روش‌های ابراز اراده، رک: (محقق داماد و دیگران، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۲۶۴ به بعد؛ فخلعی، ۴۷-۷۳).

در حقوق ایران نیز به پیروی از آخرین تحولات در فقه امامیه و همگام با سایر نظام‌های حقوقی، اصل رضایی بودن قراردادهای مورد پذیرش قرار گرفته است. این اصل که از نتایج اصل حاکمیت اراده به شمار آمده (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ۱۴۶/۱-۱۴۷؛ صفایی، ۴۸/۲) (Cf. Flour, Aubert, et Savaux, 67 s.; Marty et Raynaud, 1/27 s.; Weill et Terré, 51 s.)، از ماده ۱۹۱ قانون مدنی قابل استنباط است. به موجب این ماده، «عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.» همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد در این ماده برای ابراز اراده شکل خاصی مقرر نشده، بلکه هر آن چیزی که دلالت بر قصد انشاء نماید، برای ابراز آن کافی دانسته شده است.

بنابراین در خصوص قراردادهای بهره‌بردار از حقوق ادبی و هنری، اصولاً قاعده عمومی برقرار بوده، کتبی بودن قرارداد شرط نیست. بدیهی است با توجه به نقش اثباتی اسناد در میان ادله اثبات دعوی، تنظیم قراردادهای مورد بحث به صورت کتبی، می‌تواند در پایان دادن به دعاوی و حل و فصل آن ابزار مهمی به شمار آید. به علاوه انعکاس اراده طرفین در قالب نوشته، امکان کشف اراده مشترک در مقام تفسیر قرارداد را تسهیل می‌نماید. همچنین قرارداد کتبی قابلیت کنترل بیشتری داشته، امکان بررسی رعایت قواعد حمایتی که برای حمایت از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در نظر گرفته شده است، را به نحو مناسب‌تری فراهم می‌نماید.

بند دوم: نمایندگی در انعقاد قرارداد

مسئله دیگری که در مورد اعلام اراده مطرح شده این است که آیا قراردادهای مزبور می‌تواند از طریق نماینده پدیدآورنده منعقد گردد؟ پیچیدگی مسئله از این جهت است که هرچند قراردادهای مزبور برای انتقال و بهره‌برداری از حقوق مادی صورت می‌پذیرد، لیکن مستلزم تصمیم‌گیری در مورد نشر و عرضه اثر است که از حقوق معنوی پدیدآورنده به شمار می‌آید. حقوق معنوی آن دسته از حقوق و امتیازات غیرمالی است که مربوط به شخصیت پدیدآورنده و برای حمایت از آن مقرر شده است. (صفایی، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، ۸۴) هرچند ارتباط حقوق معنوی با شخصیت پدیدآورنده مورد تصریح مقررات ایران قرار نگرفته، لیکن با توجه به این‌که اثر ادبی و هنری تبلور شخصیت پدیدآورنده است و اشتراط اصالت اثر مؤید این معنی است، در پذیرش ارتباط مزبور در حقوق ایران تردید روا نیست. ارتباط حقوق معنوی با شخصیت پدیدآورنده در مواد L121-1 و L212-2 قانون مالکیت فکری فرانسه مورد تصریح قرار گرفته است. به گونه‌ای که ماده L121-1 پس از ذکر حق

حرمت نام و سمت پدیدآورنده و حرمت اثر وی، تصریح می‌نماید که این حق مربوط به شخصیت پدیدآورنده است.^۱ ماده 2-212L نیز پس از ذکر حقوق مذکور در مورد هنرمند مجری اثر^۲، آن را وابسته به شخصیت وی دانسته است.

بدیهی است حقوق معنوی مربوط به اثر از جمله حق تصمیم‌گیری درباره انتشار و عرضه اثر متعلق به پدیدآورنده است. به همین جهت ماده 2-121L قانون مالکیت فکری فرانسه تصریح نموده که فقط پدیدآورنده حق انتشار اثرش را دارد. بنابراین تصمیم‌گیری در مورد انتشار، عرضه و شرایط آن در صلاحیت شخص پدیدآورنده است. با توجه به همین واقعیت در ماده 7-132L، در مقام بیان احکام مربوط به قرارداد انتشار، لزوم رضایت شخصی پدیدآورنده^۳ مورد تأکید قرار گرفته و حتی در مورد مجبوران نیز رضایت شخصی ایشان لازم دانسته شده است؛ زیرا همان‌گونه که برخی از نویسندگان فرانسوی (Colombet, 237, n° 281) اظهار نموده‌اند، دلیل وجودی این قاعده، جلوگیری از نقض حقوق معنوی پدیدآورنده می‌باشد. البته باید توجه داشت هرچند ماده 7-132L در ضمن مقررات مربوط به قرارداد انتشار مطرح گردیده، لیکن با توجه به منطق حاکم بر آن، دکتترین فرانسه آن را به تمام قراردادهای بهره‌برداری توسعه داده است. به عبارت دیگر، هیچ تفاوتی از این جهت میان قرارداد انتشار و سایر قراردادهای بهره‌برداری وجود ندارد؛ زیرا حکم مزبور ارتباط تنگاتنگ با حق معنوی پدیدآورنده دارد که در همه قراردادهای مزبور یکسان است. (Pollaud-Dulian, 580, n° 946;) (Colombet, 237, n° 281; Desbois, 559, n° 494)

البته لزوم وجود رضایت شخصی پدیدآورنده در دو مورد با استثنا مواجه است: یکی در مورد پدیدآورنده مجبوری است که به دلیل ناتوانی جسمی از قبیل وضعیت کُما، حیات نباتی و جنون اطباقی، قادر به اعلام رضایت نباشد. (Pollaud-Dulian, 580, n° 946) (کلمبه، ۱۶۱) مورد دوم فرضی است که پدیدآورنده اثر وفات یافته است. در این صورت قائم مقامان وی نسبت به انعقاد قرارداد تصمیم‌گیری می‌نمایند. در واقع همان‌گونه که ماده 2-121L قانون مالکیت فکری فرانسه مقرر نموده، اجرای حق تصمیم‌گیری در مورد انتشار اثر پس از وفات

¹ - Ce droit est attaché à sa personne.

² - L'artiste-interprète.

³ - Consentement personnel.

پدیدآورنده، در صلاحیت قائم مقامان وی^۱ می‌باشد. در این فرض، چنانچه قائم مقام خود محجور باشد، رضایت شخصی وی لازم نیست. زیرا منطق حاکم بر لزوم رضایت شخصی پدیدآورنده در اینجا وجود ندارد. (Pollaud-Dulian, 580, n° 946)

با توجه به نکات فوق، هر چند در حقوق فرانسه، اجرای حقوق مادی از طریق نمایندگی امکان پذیر است، لیکن اعمال جنبه‌های معنوی آمیخته به آن اصولاً در حیطه صلاحیت پدیدآورنده می‌باشد. ضمانت اجرای قاعده فوق (لزوم رضایت شخصی پدیدآورنده) بطلان نسبی^۲ اعمال حقوقی‌ای است که بدون رضایت شخصی پدیدآورنده در خصوص انتشار یا عرضه اثر وی منعقد گردیده است. (Colombet, 238, n° 281)

هر چند در متون قانونی ایران به حق تصمیم‌گیری در مورد انتشار به عنوان یکی از حقوق معنوی پدیدآورنده، تصریح نشده، لیکن همان‌گونه که برخی از اساتید (صفایی، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، ۸۴) بیان داشته‌اند، پدیدآورنده تنها کسی است که می‌تواند درباره انتشار یا عدم انتشار اثر خود تصمیم بگیرد و نمی‌توان او را مجبور به انتشار اثرش نمود؛ زیرا انتشار اثر بدون رضایت پدیدآورنده، تجاوز به شخصیت او محسوب می‌شود. به همین جهت تبصره ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، مقرر می‌دارد: «تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده، بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آن‌ها بدون رضایت ورثه یا قائم‌مقام آنان توقیف نمی‌شود.» هر چند موضوع این ماده تصنیفات، تألیفات و ترجمه‌های چاپ نشده است، لیکن همان‌گونه که برخی از نویسندگان (زرکلام، ۱۱۳؛ همچنین رک. محمدی، ۷۰) اظهار کرده‌اند، می‌توان از ملاک حکم قانون، در مورد سایر آثار ادبی و هنری نیز استفاده نمود. توضیح این‌که ملاک حکم قانون، عدم جواز نشر و عرضه آثار مزبور بدون اذن پدیدآورنده است. در واقع هدف از توقیف در مرحله اجرای حکم این است که با استیفای حقوق مالی مربوط امکان اجرای حکم فراهم گردد. بدیهی است وصول به نتایج مالی پس از توقیف تصنیفات، تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده، مستلزم انتشار

^۱ ماده L121-2 اجرای حق تصمیم‌گیری در مورد انتشار اثر پس از وفات پدیدآورنده را در صلاحیت اشخاص ذیل دانسته است: کسانی که به موجب وصیت تعیین شده‌اند و در صورت فقدان یا فوت چنین اشخاصی، به ترتیب، اولاد پدیدآورنده، همسر وی، ورثه دیگر غیر از اولاد و اشخاصی که تمام ماترک به ایشان وصیت یا هبه شده است. در مورد همسر پدیدآورنده شرط این است که قبلاً در مورد ایشان حکم قطعی افتراق جسمانی صادر نشده و همسر مزبور ازدواج جدید نکرده باشد.

^۲ در خصوص مفهوم و قلمرو بطلان نسبی، رک: (محسنی و قبولی درافشان، ۲۴۷ به بعد؛ قبولی درافشان و محسنی، ۴۰۱ به بعد)

آن‌هاست. از آن جایی که قانونگذار موارد مزبور را قابل توقیف ندانسته، معلوم می‌شود که در مقام شناسایی و حمایت از حق معنوی پدیدآورنده اثر مبنی بر تصمیم‌گیری درخصوص انتشار و عرضه بوده است.

البته درخصوص ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی و تبصره آن این اشکال ممکن است مطرح گردد که ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امر مدنی مصوب ۱۳۷۹، که در مقام احصاء مستثنیات دین وضع گردیده، دربردارنده حکم مندرج در تبصره ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی نیست. در نتیجه ممکن است شبهه نسخ تبصره مزبور مطرح گردد. در پاسخ باید گفت، تبصره ماده ۶۵ تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده را به این عنوان که مستثنی از دین باشد، غیر قابل توقیف معرفی ننموده است؛ بلکه به دلیل ضرورت اخذ رضایت پدیدآورنده (حق معنوی وی راجع به تصمیم‌گیری درباره انتشار اثر)، توقیف اقلام مزبور را ممنوع اعلام کرده است. به همین جهت بر لزوم رضایت مصنف و مؤلف و مترجم برای توقیف تأکید نموده است. به علاوه پس از فوت ایشان نیز رضایت ورثه یا قائم‌مقام آنان را شرط لازم برای توقیف به شمار آورده است. حال آن که اگر قانونگذار در مقام بیان تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده به عنوان مستثنی از دین می‌بود، رضایت ورثه یا قائم‌مقامان پس از فوت پدیدآورنده ضرورت نداشت؛ زیرا بدیهی است که پس از فوت سخن از مستثنیات دین بی‌معنی است؛ زیرا تأسیس حکم مربوط به مستثنیات دین جهت ارفاق به حال مدیون و برخورداری وی از حداقل‌های لازم برای زندگی با رعایت شؤونات وی می‌باشد. طبیعی است علت مزبور با فوت مدیون منتفی می‌گردد.^۱ به همین جهت، به موجب ماده ۸۶۸ قانون مدنی قبل از پرداخت دیون متوفی مالکیت ورثه نسبت به ترکه متوفی استقرار نمی‌یابد. به موجب ماده ۸۶۹ این قانون نیز دیون و واجبات مالی متوفی باید قبل از تقسیم ترکه اداء گردد. حکم مواد اخیر که ریشه در آیه شریفه «مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ»^۲ دارد، مقتبس از نظرات فقیهان امامی (به عنوان نمونه، ر. ک: علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ۳/۲-۴؛ شهید ثانی، ۶۱/۱۳-۶۲؛ مقدس اردبیلی، زبدة البيان، ۶۴۹-۶۵۰؛ محقق سبزواری، ۸۰۷/۲-۸۰۸؛ محقق نراقی، مستند الشیعة، ۱۱۳-۱۱۲/۱۹)؛

^۱ - ماده ۵۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امر مدنی نیز در همین راستا مقرر می‌نماید: «مستثنیات دین تا زمان حیات محکوم علیه جاری است.»

^۲ - آیه ۱۲ سوره مبارکه نساء؛ همچنین در موارد مختلف در آیات مربوط به ارث در قرآن کریم، پرداخت دیون متوفی و اخراج وصیت وی از ترکه مقدم بر سهم ورثه به شمار آمده است.

انصاری، الوصایا، ۱۹۷-۱۹۸؛ قمی، ۲/۳) است.

با توجه به مطالب فوق، به نظر می‌رسد حکم تبصره ماده ۵۶ قانون اجرای احکام مدنی مغایر ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امر مدنی نیست و به اعتبار خود باقی است. (برای ملاحظه نظر موافق با استدلال متفاوت، ر. ک: محمدی، ۷۱-۷۳) ماده ۱۳۳ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۱ حاوی حکمی مشابه تبصره مزبور است. به موجب این ماده، «کتاب و رسالات و مقالات خطی صاحب اثر قابل بازداشت و مزایده نیست مگر با رضایت وی.»^۱ حکم این ماده مؤید خروج موضوعی آثار مورد بحث از مستثنیات دین است. به ویژه این که در آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء از مستثنیات دین در ماده ۶۱ سخن گفته شده در حالی که بحث از لزوم رضایت پدیدآورنده برای توقیف آثار چاپ نشده وی در جای دیگر (ماده ۱۳۳) پیش بینی شده است.

با توجه به پذیرش حق تصمیم‌گیری به عنوان یکی از حقوق معنوی پدیدآورنده و با پذیرش ارتباط وثیق حقوق معنوی با شخصیت پدیدآورنده، لاجرم باید پذیرفت که حق تصمیم‌گیری راجع به انتشار یا عرضه اثر ادبی و هنری، قابل توکیل به غیر نیست؛ زیرا اموری که مرتبط با شخصیت و قائم به شخص هستند، مباشرت شخص در آن شرط بوده، در نتیجه قابل توکیل نیست. در واقع با تصمیم به انتشار یا عرضه اثر، ابعادی از شخصیت پدیدآورنده (شخصیت علمی، هنری، مذهبی و...) در عالم خارج ظهور و بروز پیدا می‌کند که تبعات مثبت یا منفی مهمی را در پی خواهد داشت. این واقعیت ایجاب می‌کند که پدیدآورنده خود شخصاً مبادرت به تصمیم‌گیری در این خصوص نماید. طبیعی است در مواردی که مباشرت شخص در اعمال حقی لحاظ شده باشد، توکیل آن به غیر امکان‌پذیر نیست؛ زیرا همان‌گونه که برخی از فقیهان امامی (محقق حلی، ۲/۴۲۸-۴۳۰؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ۲/۳۵۴-۳۵۵؛ همو، تذکره الفقهاء، ۱۱۷/۲؛ محقق کرکی، ۷/۲۱۵-۲۱۶؛ شهید ثانی، ۵/۲۵۵؛ نجفی، جواهر الکلام، ۲۷/۳۷۸-۳۷۹ و ۳۸۲؛ روحانی، فقه الصادق(ع)، ۲۰/۲۵۰-۲۵۲) بیان نموده‌اند، اصولاً ضابطه توکیل‌پذیری و عدم آن مدخلیت یا عدم مدخلیت لزوم مباشرت شخص در اعمال حق و تکلیف است.

^۱ - حکم مذکور در این ماده قبلاً در ماده ۱۶۵ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۶ تیر ۱۳۵۵ وزارت دادگستری پیش بینی شده بود.

بدیهی است پدیدآورنده می‌تواند پس از تصمیم به انتشار یا عرضه اثر، به دیگری برای بهره‌برداری از حق مادی انتشار یا عرضه اثر وکالت بدهد، لیکن این امر به معنی توکیل در اصل تصمیم‌گیری راجع به انتشار یا عرضه اثر نیست.

درخصوص محجوران نیز باید میان دو دسته تفکیک نمود. گروهی از محجوران به دلیل فقدان اراده، فاقد اهلیت استیفاء در اجرای امور مالی و غیر مالی خویش هستند. تصمیم‌گیری درباره انتشار یا عرضه آثار ادبی و هنری نیز از این قاعده مستثنی نیست. به عنوان نمونه چنانچه شخصی پس از پدید آوردن اثری ادبی یا هنری و قبل از تصمیم‌گیری درباره انتشار یا عرضه آن، دچار جنون گردد، نمی‌تواند حق تصمیم‌گیری خویش را اجرا نماید.

در مقابل گروهی دیگر از محجوران دارای قدرت انشاء (قصد) هستند. لیکن برخی از ایشان (سفها) به دلیل عدم رشد، امکان دخالت مستقل در امور مالی خویش را ندارند. قانونگذار برای حفظ مصالح ایشان اشخاصی را تحت عنوان «ولی» یا «قیم» به نمایندگی ایشان گمارده است که اقدامات مالی این دسته از محجوران، با اذن یا تنفیذ نمایندگان مزبور معتبر خواهد بود. البته این دسته از محجوران برای تصرفات انشائی غیر مالی، نیازی به اذن یا تنفیذ دیگری ندارند. برخی دیگر از محجوران برخوردار از قدرت انشاء، به دلیل عدم بلوغ (صغیر ممیز) نه در امور مالی و نه در امور غیر مالی بدون اذن یا اجازه ولی یا قیم، حق تصرفات انشائی استقلالی ندارند. البته این مسئله و به طور کلی حدود حجر صغیر ممیز در فقه امامیه و حقوق ایران محل اختلاف است؛ به گونه‌ای که از نقطه نظر فقهی ادعا شده که نظر مشهور بطلان معاملات صغیر ولو با اذن یا اجازه ولی یا قیم می‌باشد. لیکن ادله ارائه شده توسط مشهور در این باب، مورد انتقاد برخی از بزرگان از فقها (انصاری، المکاسب، ۲۷۷/۳ به بعد) قرار گرفته و برخی از ایشان (طباطبائی یزدی، حاشیه المکاسب، ۱۱۳/۱-۱۱۴؛ حکیم، ۱۸۰-۱۸۴؛ خوئی، مصباح الفقاهة، ۲۲۳/۲ به بعد؛ همچنین رک. محقق داماد و دیگران، ۱۸۹/۲ به بعد) ضمن نقد و رد ادله استنادی و عدم پذیرش دلالت روایات استنادی، نظر به نفوذ معاملات صغیر ممیز در صورت اذن یا اجازه ولی یا قیم داده‌اند. حتی برخی (محقق داماد و دیگران، ۱۸۹/۲ به بعد) ادعا نموده‌اند که هم اکنون بیشتر فقیهان نظر بر عدم نفوذ معامله صغیر ممیز داشته، آن را با تنفیذ ولی، برخوردار از آثار معامله صحیح می‌دانند.

در هر حال از نقطه نظر حقوقی همان‌گونه که برخی از اساتید (صفایی، ۸۳/۱) بیان داشته‌اند، امروزه نظر مشهور در میان حقوقدانان عدم نفوذ اعمال حقوقی صغیر ممیز بدون اذن

ولی یا قیم و امکان تنفیذ یا رد آن توسط ولی یا قیم است. (برای ملاحظه ادله حقوقی ارائه شده در تأیید این نظر، ر. ک: صفایی، ۸۳/۱-۸۵)

با توجه به توضیحات فوق باید دید تصمیم‌گیری درباره انتشار یا عرضه اثر متعلق به صغار ممیز و اشخاص سفیه در صلاحیت کیست. برای پاسخ به این سؤال باید میان دو مسئله تفکیک نمود. از سویی با اصل تصمیم برای انتشار و عرضه اثر مواجه هستیم و از سوی دیگر با اجرای تصمیم مزبور که در بسیاری از موارد مستلزم اقدامات مالی همچون انعقاد قرارداد نشر و امثال آن می‌باشد، روبرو هستیم. درخصوص اصل تصمیم‌گیری در مورد انتشار یا عرضه اثر یا عدم آن، باید گفت موضوع در حیطه اختیارات ولی یا قیم قرار ندارد؛ زیرا امر مزبور از مقوله اعمال حقوقی نیست. به علاوه حق مزبور ناظر به جنبه معنوی حقوق ادبی و هنری بوده و با توجه به این که پدیدآورنده خود امکان اجرای حق مزبور را دارد، واگذاری اجرای این حق به دیگری محمل قانونی نیز ندارد، ضمن این که با طبیعت حق مزبور نیز منافات دارد. ذکر این نکته نیز شایسته است که صغیر ممیزی که توانسته است اقدام به خلق اثری ادبی یا هنری دارای اصالت نماید، احترام به فکر و اندیشه و هنر وی ایجاب می‌نماید که صلاحیت و شایستگی اش برای تصمیم‌گیری در مورد انتشار یا عرضه اثرش به رسمیت شناخته شود. برخی (محمدی، ۶۸) نیز از راه خلاف قاعده دانستن نمایندگی و بسنده نمودن به موارد منصوص، تصمیم‌گیری در امر انتشار اثر را صرفاً در اختیار پدیدآورنده دانسته‌اند.

البته درخصوص تصرفاتی که در جنبه‌های مالی حقوق ادبی و هنری صورت می‌گیرد، طبیعی است که دخالت ولی یا قیم برای نفوذ تصرفات مزبور ضروری است. ضمن این که ولی یا قیم نیز در صورت مصلحت و پس از تصمیم پدیدآورنده نسبت به اصل انتشار یا عرضه، اختیار اقدام مستقل درخصوص تصرفات مزبور را دارند.

در پایان این قسمت لازم به ذکر است که همچنین در حقوق ایران در فرض وفات پدیدآورنده، حسب استنباط از این ماده ماده ۲۶ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، اجرای حقوق معنوی در مدت حمایت از حقوق مادی، با ورثه خواهد بود. طبیعی است در چنین فرضی نیز سخن گفتن از لزوم رضایت شخصی پدیدآورنده بی‌معنی است مگر این که پدیدآورنده در زمان حیاتش در این خصوص تصمیم خاصی اتخاذ کرده باشد.

مبحث دوم: شرایط مربوط به موضوع قرارداد

در این مبحث در مقام بیان شرایط مربوط به موضوع قراردادهای بهره‌برداری از حقوق

ادبی و هنری هستیم. همان‌گونه که بیان گردید در برخی از نظام‌های حقوقی قواعد مشترک حاکم بر قراردادهای مزبور از جمله قواعد مربوط به موضوع این دسته قراردادها توسط قانونگذار سازماندهی و تدوین گردیده است. لیکن در حقوق ایران مقررات مستقلی در این خصوص وجود ندارد. بنابراین باید بر اساس قواعد عمومی حاکم بر قراردادها و با توجه به طبیعت و منطبق ویژه حاکم بر حقوق ادبی و هنری، به تبیین شرایط مربوط به موضوع این دسته از قراردادها پرداخت.

بدیهی است شرایط موضوع قرارداد بسته به ماهیت قرارداد و موضوع آن تفاوت‌هایی دارند. در خصوص موضوع قراردادهای بهره‌برداری از حقوق ادبی و هنری نیز شرایط متعددی لازم است. پر واضح است که مورد معامله اصولاً باید موجود و دارای مالیت بوده، متضمن منفعت عقلانی و مشروع باشد.^۱ همچنین باید معلوم و معین بوده، قدرت بر تسلیم آن نیز وجود داشته باشد.^۲ بررسی همه این شرایط در مورد موضوع قراردادهای بهره‌برداری از حقوق ادبی و هنری ضروری به نظر نمی‌رسد. به همین جهت به بررسی آن دسته از شرایطی خواهیم پرداخت که برخوردار از ظرافت‌های ویژه ای است. در این راستا، شرط موجود بودن موضوع قرارداد و امکان یا عدم امکان واگذاری حقوق مربوط به آثار آینده (بند نخست) و لزوم معلوم و معین بودن حقوق انتقالی (بند دوم) دارای اهمیت است. ضمن این که در برخی از نظام‌های حقوقی برای عوض در قراردادهای بهره‌برداری احکام ویژه ای مقرر شده است. بنابراین با توجه به معاوضی بودن اغلب قراردادهای مزبور، بررسی احکام خاص مربوط به عوض ضروری است. (بند سوم)

بند نخست: موجود بودن موضوع قرارداد و واگذاری حقوق مربوط به آثار آینده

در خصوص شرط موجود بودن موضوع قرارداد، بدیهی است چنانچه اثری خلق گردیده و سپس راجع به واگذاری حقوق راجع به آن، قرارداد منعقد گردد، از این جهت قرارداد مزبور با مشکلی مواجه نیست. همچنین اگر مدت حمایت از اثری منقضی گردیده باشد، حق بهره‌برداری انحصاری از آن منتفی شده، بحث از انتقال حق مزبور مطرح نخواهد بود. لیکن

^۱ ماده ۲۱۵ قانون مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد: «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلانی مشروع باشد.»

^۲ ماده ۳۴۸ قانون مدنی در خصوص مبیع مقرر می‌دارد: «بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است و یا چیزی که مالیت و یا منفعت عقلانی ندارد یا چیزی که با بیع قدرت بر تسلیم آن ندارد، باطل است مگر این که مشتری خود قادر بر تسلیم باشد.» حکم این ماده به عنوان یک قاعده عمومی قابل تسری به سایر قراردادهاست.

آنچه اهمیت دارد بررسی امکان یا عدم امکان واگذاری حقوق آثاری است که هنوز خلق نگردیده است؛ زیرا تا زمانی که اثری خلق نگردد، حقوق احتمالی پدیدآورنده فعلیت نیافته، انتقال آن محل تأمل است.

از نقطه نظر حقوق فرانسه، درخصوص واگذاری حقوق مربوط به آثاری که هنوز خلق نشده‌اند، به موجب مقررات عمومی موضوع ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، اشیاء آینده به شرطی که مطابق ماده ۱۱۲۹ آن قانون قابل تعیین باشد، می‌تواند موضوع قرارداد واقع شود. لیکن درخصوص آثار ادبی و هنری که هنوز آفریده نشده‌اند، ماده ۳۳ قانون ۱۱ مارس ۱۹۵۷ و به تبع آن ماده L131-1 قانون مالکیت فکری این کشور مقرر می‌دارد، انتقال کلی آثار آتی به باطل است.^۱ حقوقدانان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 590-591, n° 968) علت ممنوعیت مزبور را در این می‌دانند که انتقال کلی آثار آینده برای پدیدآورنده و به ویژه پدیدآورندگان جوان خطرناک است؛ زیرا بنابر فرض، تا قبل از آفرینش اثر، امکان ارزیابی ارزش اثر، ویژگی‌های آن، سنجش اهمیت و آشکال بهره‌برداری از اثر وجود ندارد و پدیدآورنده با این خطر روبروست که حقوق خود را با شرایطی نازل منتقل نماید. به اعتقاد ایشان قاعده مقرر در ماده L131-1 قاعده ای امری بوده که هیچ قرارداد فردی یا جمعی نمی‌تواند آن را منتفی نماید. بنابراین قرارداد انتقال کلی آثار آتی به دلیل مغایرت با نظم عمومی، باطل بوده و بطلان آن از نوع بطلان نسبی است. از این رو فقط پدیدآورنده حق دارد به بطلان مزبور استناد نماید.

البته باید توجه داشت که ماده L131-1 به دلیل اختصار در تعبیر، دارای ظرافت‌هایی است. آنچه در این ماده اهمیت دارد، گستره حقوق انتقالی نیست بلکه مهم این است که آثار آتی هنوز به وجود نیامده، قرار است در آینده خلق گردد و همین امر موجب می‌شود که نتوان قلمرو حقیقی انتقال را تشخیص داد. بنابراین خواه پدیدآورنده یک حق یا حقوق متعدد از آثار آینده را مورد انتقال قرار دهد، در هر حال قرارداد باطل خواهد بود. (Pollaud-Dulian, 590-591, n° 968)

اشاره به این نکته نیز خالی از فایده نیست که به رغم ممنوعیت انتقال کلی آثار آینده، به موجب ماده L132-18 قانون مالکیت فکری فرانسه قرارداد عمومی عرضه^۲ می‌تواند ناظر به

^۱ - Article L131-1: "La cession globale des oeuvres futures est nulle."

^۲ - ماده L132-18 قرارداد عرضه را قراردادی معرفی می‌نماید که به موجب آن پدیدآورنده یک اثر فکری و صاحبان حق، با شرایط معین، اجازه عرضه اثر مزبور را به یک شخص حقیقی یا حقوقی اعطا می‌نمایند. سپس در ادامه از قرارداد عمومی عرضه سخن می‌گوید که به موجب آن یک سازمان حرفه‌ای پدیدآورندگان به پیمانکار

آثار آینده نیز باشد. همچنین بر اساس ماده 4-132L قانون مزبور، شرطی که به موجب آن، پدیدآورنده نسبت به نشر آثار آینده خود، تعهد به پذیرش حق تقدم برای ناشر می‌نماید، با رعایت قید و شرطهایی^۱، معتبر دانسته شده است.

ماده ۱۵۳ قانون مالکیت فکری مصر^۲ نیز حکمی مشابه را پیش‌بینی نموده است. البته به موجب این ماده، بطلان قرارداد مربوط به آثار آینده از نوع بطلان مطلق است. برخی از اساتید حقوق مصر (سنهوری، ۳۹۰/۸)، علت حکم مزبور را در این می‌دانند که اولاً بطلان ریشه در معین نبودن موضوع دارد. ثانیاً مجموع تولید فکری در آینده، امری وابسته به شخصیت فرد است. بنابراین به حقوق مربوط به شخصیت که قابل واگذاری نیست، نزدیک‌تر است. به‌علاوه بازگشت چنین قراردادهایی به این است که پدیدآورنده به وسیله این قرارداد، خودش را نسبت به مجموع کار فکری‌اش به صورت مادام‌العمر، در بند قرار می‌دهد.

همین دلایل در حقوق ایران نیز قابل دفاع بوده، باید انتقال کلی حقوق مالی آثار ادبی و هنری آینده را ممنوع دانست. به ویژه این که چنین قراردادهایی به گونه‌ای سلب حریت و آزادی پدیدآورنده را در بر دارد و همان‌گونه که ماده ۹۶۰ قانون مدنی مقرر داشته، هیچ‌کس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند. همین وضعیت درباره قرارداد کار باعث شده که برخی از اساتید حقوق (عراقی، ۲۰۳؛ کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ۵۷۰، ذیل ماده ۹۶۰) به استناد تضاد آن با آزادی شخص، نظر به عدم جواز آن دهند. علاوه بر این، در نظام حقوقی ایران، موجود بودن موضوع قرارداد و نیز معلوم و معین بودن آن، اصولاً جزء شرایط اساسی صحت قرارداد محسوب است. مواد ۲۱۶، ۳۴۲، ۳۵۱، ۳۶۱، ۴۶۸، ۵۰۷، ۵۱۴ و... قانون مدنی دلالت بر این مطلب دارند. حال آن که در قراردادهای مزبور، آثار مورد نظر هنوز پدید نیامده، معلوم و معین نیز نمی‌باشد. در واقع هنگامی که موضوع قرارداد معلوم و معین نیست، قرارداد غرری بوده، مشمول ادله بطلان معامله غرری از جمله حدیث نبوی که نهی از غرر فرموده (حر عاملی، ۴۴۸/۱۷؛ أحسانی، ۲۴۸/۲؛ نمازی شاهرودی، ۲۹/۱؛ همو، ۵۶۰/۷-۵۶۱) می‌گردد. بر همین اساس، در کتب مختلف فقهی به ویژه در مورد قرارداد بیع که به طور معمول فقیهان امامی قواعد عمومی قراردادها را در ضمن آن مورد بررسی قرار می‌دهند، معلوم

عرضه نمایش، اختیار عرضه آثار فعلی یا آینده را مطابق شرایط مقرر توسط پدیدآورنده یا دارندگان حق، برای مدت قرارداد، اعطا می‌نماید.

^۱ - به موجب ماده 4-132L، حق تقدم مزبور حداکثر نسبت به پنج اثر و حداکثر برای پنج سال قابل اعمال است.

^۲ - (ماده ۱۵۳-۱- یق باطلاً بطلاناً مطلقاً کل تصرف للمؤلف فی مجموع إنتاجه الفکری المستقبلی).

و معین نبودن موضوع قرارداد به دلیل این که به غرر می‌انجامد، موجب بطلان قرارداد اعلام شده است. (درخصوص بطلان معاملات غرری و ادله آن، ر. ک: علامه حلی، تذکره الفقهاء، ۱۰/۵۳-۵۴؛ همو، مختلف الشیعة، ۱۳۷/۵؛ مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ۸/۱۷۴-۱۷۵؛ وحید بهبهانی، ۱۲۳؛ محقق نراقی، عوائد الأيام، ۸۹-۹۶؛ نجفی، جواهر الکلام، ۲۲/۴۱۷؛ نائینی، کتاب المکاسب و البیع، ۲/۴۹۶؛ همو، منیة الطالب، ۲/۲۱۹ و ۳۵۹-۳۶۰؛ وحدتی شبیری، ۶۰-۶۴ و ۶۷-۷۰)

لیکن آنچه لازم است بدان توجه شود این است که قرارداد سفارش اثر، عاری از اشکالاتی است که بیان شد. به موجب این قرارداد، پدیدآورنده تعهد به ایجاد اثری در آینده می‌نماید و طبق ماده ۱۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، حقوق مادی چنین آثاری، تا سی سال از تاریخ پدید آمدن اثر، متعلق به سفارش‌دهنده خواهد بود؛ مگر آن که برای مدت کمتر یا ترتیب محدودتری توافق شده باشد. در خصوص صحت قرارداد سفارش اثر، صرف نظر از پذیرش صریح آن در ماده ۱۳ مذکور باید توجه نمود که، اولاً از آنجایی که سفارش اثر محدود به مصداق یا مصادیق مشخصی است، مشمول عنوان انتقال کلی حقوق نیست و در نتیجه سلب آزادی شخص را به دنبال نداشته، مورد پذیرش عرف جامعه و خردمندان است. ثانیاً در قرارداد مزبور اوصاف اثر مورد سفارش و شرایط آن باید دقیقاً مشخص باشد. بنابراین از حیث معلوم و معین بودن موضوع قرارداد نیز ایرادی به آن وارد نخواهد شد. ثالثاً موضوع قرارداد مزبور مستقیماً انتقال حقوق مربوط به آینده نیست؛ بلکه قرارداد مزبور ناظر به خدمات شخص پدیدآورنده جهت انجام کار معینی است که طبیعتاً پس از انجام کار مزبور و خلق اثر، حقوق مادی اثر ایجاد شده به سفارش‌دهنده تعلق می‌گیرد.

نکته دیگری که تبیین آن ضروری است، این که قرارداد نشر درخصوص اثری که در آینده تهیه خواهد شد چه حکمی دارد؟ برخی از اساتید حقوق ایران (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ۲/۱۷۵-۱۷۶) درخصوص واگذاری حق نشر کتابی که در آینده نوشته خواهد شد، معتقدند به رغم سکوت قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در این خصوص، عرف واگذاری حق نشر در این زمینه استقرار یافته است. ایشان در توجیه عرف مزبور، ضمن این که حق نشر کتابی که در آینده تألیف می‌شود را در حکم کلی دانسته‌اند، اظهار می‌دارند که قرارداد مزبور مخلوط از دو پیمان است. یکی انجام کار تألیف که به اجاره می‌ماند و دیگری انتقال حق نشر آن. این نظر از دو جهت محل تأمل است: از سویی، در حکم کلی

شمردن حق نشر کتابی که در آینده تألیف می‌شود، قابل پذیرش نیست؛ زیرا کتابی که در آینده تهیه خواهد شد، مصداق منحصر به فردی است که موضوع قرارداد بر آن منطبق است و حق نشر ناظر بر آن است. بنابراین حق نشر حق معینی است و قابل انطباق بر مصداق متعدد نیست. این در حالی است که مفهوم کلی، قابل صدق بر مصداق‌های متعدد است.

از سوی دیگر، تجزیه قرارداد به دو جزء قابل پذیرش است، لیکن قرارداد مزبور را می‌توان قرارداد انجام کاری دانست که قابل تطبیق با عقد اجاره است، با این توضیح که در ضمن قرارداد مزبور شرط نتیجه شده است؛ شرطی که به موجب آن، مالکیت اثری که در پی قرارداد آفرینش اثر ادبی و هنری خلق می‌گردد، به طرف قرارداد منتقل گردد. به نظر می‌رسد این راه کار می‌تواند مشکل قرارداد انتقال حق نشر اثر آینده را حل کند؛ زیرا چنانچه انتقال حق نشر اثر آینده را موضوع قرارداد به شمار آوریم، با اشکال فقدان موضوع مواجه خواهیم بود.

بند دوم: معلوم و معین بودن حقوق انتقالی

یکی از شرایط مهم و اساسی که در ماده ۱۹۰ قانون مدنی به آن اشاره گردیده، شرط معین بودن موضوع قرارداد است. بر اساس ماده ۲۱۶ قانون مدنی نیز که در راستای همین شرط مقرر گردیده، «مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است.» بنابراین اصولاً برای انعقاد هر قراردادی، معلوم و معین بودن موضوع آن ضروری است. در مورد قراردادهای انتقال حقوق مادی پدیدآورنده نیز موضوع قرارداد باید تفصیلاً معلوم بوده و مردد نباشد. شرط مزبور از این جهت دارای اهمیت ویژه است که از سویی موضوع حقوق ادبی و هنری شیء مادی ملموس و خارجی نیست و پایگاه مادی خارجی ندارد و از سوی دیگر حق بهره‌برداری مادی پدیدآورنده، از عناصر متعدد و گوناگونی برخوردار است. بنابراین کیفیات مؤثر در رفع ابهام از آن پیچیده‌تر و نیازمند دقت بیشتری می‌باشد.

الف- قلمرو موضوعی

درخصوص قلمرو موضوعی قرارداد، این سؤال مطرح است که آیا پدیدآورنده می‌تواند تمام حقوق مادی خویش را به غیر منتقل نماید یا فقط برخی از آن حقوق می‌تواند مورد انتقال قرار گیرد؟ ضمن این که چنانچه پس از انعقاد قرارداد، در مورد دامنه حقوق انتقالی اختلاف رخ دهد، آیا می‌توان از اصلی راهنما برای حل اختلاف سخن گفت؟

درخصوص قلمرو موضوعی قرارداد، باید گفت، از نقطه نظر حقوق ایران، انتقال حقوق مادی پدیدآورنده می‌تواند ناظر به همه حقوق مادی یا برخی از آن باشد. به تعبیر دیگر منعی

در انتقال کلیه حقوق مادی پدیدآورنده به نظر نمی رسد. (برای ملاحظه نظر موافق ر. ک: محمدی، ۱۲۰ و ۱۲۳) ماده پنج قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان در این خصوص مقرر می دارد: «پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد از جمله موارد زیر به غیر واگذار کند.»

در حقوق مصر (سنهوری، ۳۲۶/۷ و ۳۲۷) نیز باید همین نظر را پذیرفت. ماده ۱۴۹ قانون مالکیت فکری مصر^۱ تصریح می کند که پدیدآورنده می تواند تمام یا برخی از حقوق مالی قانونی خود را به غیر واگذار نماید. لیکن به موجب این ماده، هر یک از حقوق مورد انتقال باید به صورت جداگانه و با بیان جزئیات مربوط در قرارداد مورد تصریح قرار گیرد.

ماده L131-4 قانون مالکیت فکری فرانسه^۲ نیز انتقال کلی حقوق را مورد تصریح قرار داده است. لیکن باید یادآور شد که در حقوق فرانسه، از سویی حق تعقیب^۳ به عنوان یکی از حقوق مادی پدیدآورنده که در مورد برخی از آثار هنری شناخته شده، به موجب ماده 8-L122 غیر قابل انتقال^۴ دانسته شده است. از سوی دیگر در فرضی که پدیدآورنده تمام حقوق خود را منتقل می نماید، بر اساس بند نخست ماده 3-L131 آن قانون^۵ انتقال حقوق مزبور مشروط به این است که هر یک از حقوق انتقالی به صورت جداگانه مورد تصریح قرار گیرد. البته انتقال حقوق در قالب اقتباس به صورت اثر شنیداری دیداری مشمول حکم فوق نبوده، به موجب بند سوم ماده 3-L131^۶، مستلزم تنظیم سند جداگانه است.

^۱ «ماده ۱۴۹- للمؤلف أن ينقل إلى الغير كل أو بعض حقوقه المالية المبيته في هذا القانون. و يشترط لإنعقاد التصرف أن يكون مكتوباً و أن يحدد فيه صراحة و بالتفصيل كل حق على حده يكون محلاً للتصرف مع بيان مده و الغرض منه و مدة الإستغلال و مكانه...»

^۲ Article L131-4: "La cession par l'auteur de ses droits sur son oeuvre peut être totale ou partielle..."

^۳ Le droit de suite.

منظور از حق تعقیب که در کنوانسیون برن، مقررات جامعه اروپا و برخی قوانین ملی از جمله قانون مالکیت فکری فرانسه، برای پدیدآورندگان برخی از آثار به رسمیت شناخته شده، عبارت از حقی است غیر قابل انتقال که پدیدآورنده اثر بر منافع حاصل از فروش های بعدی اثر پیدا می کند. (در خصوص حق تعقیب، ر. ک: کلمبه، ۱۴۵ به بعد؛ مغیغب، ۲۱۳-۲۱۴) و (Pollaud-Dulian, 551, n° 890; Lucas, 294 s., n° 349 s.; Desbois, 335 s., n° 289 s.) (s.)

^۴ inaliénable.

^۵ Article L131-3: "La transmission des droits de l'auteur est subordonnée à la condition que chacun des droits cédés fasse l'objet d'une mention distincte dans l'acte de cession..."

^۶ Article L131-3: "...Les cessions portant sur les droits d'adaptation audiovisuelle doivent faire l'objet d'un contrat écrit sur un document distinct du contrat relatif à l'édition proprement dite de l'oeuvre imprimée..."

در انتقال جزئی حقوق مادی، اهمیت تبیین موضوع قرارداد دو چندان می‌شود. بدیهی است انتقال یکی از حقوق، مجوزی برای تصرف در سایر حقوق نیست. (سنه‌وری، ۳۸۳/۸-۳۸۴) به‌عنوان نمونه انتقال حق عرضه، متضمن انتقال حق تکثیر نیست و انتقال حق اخیر نیز دربردارنده انتقال حق عرضه نمی‌باشد. در حقوق ایران با توجه به استقلال دو حق مزبور، اصول و قواعد عمومی، پذیرش این حکم را ایجاب می‌نماید. بنابراین ضروری است که حق مورد انتقال صریحاً در قرارداد ذکر گردد.

چنانچه در انتقال حقی از حقوق مادی پدیدآورنده تردید شود، اصل بر عدم انتقال و بقای حق مزبور برای پدیدآورنده است. (صفایی، ۲۳۱/۱؛ سنه‌وری، ۳۳۰/۷-۳۳۱) حکم اخیر در بند دوم ماده ۱۴۹ قانون مالکیت فکری مصر نیز تصریح شده و برخی از حقوقدانان مصری (سنه‌وری، ۳۳۰/۷-۳۳۱) نیز بر آن تأکید نموده‌اند. از بند انتهایی ماده 7-122 قانون فرانسه نیز که در فرض انتقال کلی حق عرضه یا تکثیر، شیوه‌های بهره‌برداری را محدود به موارد مصرح در قرارداد نموده، حکم مذکور قابل استنباط است.

ب- تعیین کمیّت حقوق انتقالی

برای معلوم و معین شدن موضوع قرارداد، صرف تعیین نوع حق انتقالی کافی نیست. بلکه در مواردی که استفاده از حق در کمیتهای مختلف امکان پذیر است، تعیین کمی بهره‌برداری از حق یا حقوق انتقالی نیز ضروری است. به‌عنوان نمونه میزان بهره‌برداری از حق انتشار یا عرضه اثر می‌تواند از کمیتهای مختلفی برخوردار باشد. بنابراین لزوم معلوم و معین نمودن موضوع قرارداد و برطرف شدن جهل و غرر مستلزم تعیین میزان بهره‌برداری است. در این راستا ممکن است پدیدآورنده فقط برای یک نوبت یا برای دفعات متعدد، اجازه انتشار یا عرضه اثر را داده باشد. (صفایی، ۲۳۱/۱؛ همو، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، ۷۴؛ سنه‌وری، ۳۸۷/۸) همچنین ممکن است در یک قرارداد انتشار تعداد نسخ و شمارگان اهمیت داشته باشد. بنابراین ضروری است که این مسایل به‌روشنی در قرارداد پیش‌بینی شود. بند نخست ماده 10-132 قانون مالکیت فکری فرانسه در این خصوص مقرر داشته که قرارداد انتشار باید تعداد حداقلی نسخه‌های چاپ اول را مشخص نماید. همچنین ممکن است موضوع قرارداد با تعیین مدت بهره‌برداری مشخص گردد. البته باید توجه نمود که به موجب بند اول ماده 131-3 قانون مالکیت فکری فرانسه، یکی از موارد لازم برای مشخص نمودن قلمرو بهره‌برداری به عنوان قاعده ای عمومی در قراردادهای بهره‌برداری، تعیین مدت بهره‌برداری است به نحوی

که عدم ذکر آن موجب بطلان قرارداد خواهد بود. (Pollaud-Dulian, 583-584, n° 953) با این همه این قاعده دارای استثنائاتی است که در آن موارد، تعیین موضوع قرارداد به شیوه‌ای غیر از ذکر مدت مجاز دانسته شده است. از جمله این استثنائات می‌توان به حکم مندرج در ماده L132-19 اشاره نمود که در کنار تعیین دوره زمانی برای قرارداد عرضه، امکان تعیین موضوع قرارداد از راه ذکر تعداد عرضه را نیز مجاز دانسته است. (Lucas, 487, n° 615) علاوه بر زمان، مکان بهره‌برداری نیز اهمیت دارد؛ زیرا هر یک از این دو در تعیین موضوع قرارداد تأثیرگذار بوده، میزان بهره‌برداری از آثار، ارتباط مستقیم با مدت زمان بهره‌برداری و نیز وسعت مکانی آن دارد. به همین جهت بند اول ماده L131-3 قانون مالکیت فکری فرانسه و ماده ۱۴۹ قانون مصر، بر این شرط تصریح نموده‌اند. همان‌گونه که گفتیم ضمانت اجرای قاعده مزبور در حقوق فرانسه بطلان قرارداد است. البته سؤالی که پاسخ به آن ضرورت دارد این است که بطلان در این خصوص مطلق یا نسبی است. ممکن است از عبارات متن ماده L131-3 که انتقال حقوق را وابسته به شروط مزبور نموده، بطلان مطلق استنباط گردد؛ زیرا با فقدان یکی از عناصر اساسی قرارداد مواجه هستیم. لیکن از آنجایی که هدف مقرر مزبور حمایت از انتقال دهنده حقوق است، منطقی‌تر این است که نوع بطلان نسبی باشد. دیدگاه رویه قضایی فرانسه نیز همین است. (Lucas, 402, n° 494)

قانونگذار ایران به جزئیات مزبور اشاره‌ای نکرده و قواعد خاصی در این زمینه مقرر ننموده است. بنابراین باید به انطباق موضوع با قواعد عمومی پرداخت. بر اساس قواعد عمومی حقوق ایران، آنچه اهمیت دارد، معلوم و معین بودن موضوع قرارداد است. البته بدیهی است بسته به نوع قرارداد، شیوه‌های تعیین موضوع، تفاوت‌هایی خواهد داشت. لیکن آنچه مهم است این است که موضوع قرارداد مبهم نباشد تا از غرری بودن قرارداد و اختلافات احتمالی آینده جلوگیری شود. معلوم و معین بودن موضوع، ممکن است به تعیین وسعت مکانی و زمانی حق بهره‌برداری بستگی داشته باشد. البته چنانچه متعاقدين در خصوص مکان و زمان بهره‌برداری سکوت نموده باشند، حسب ظاهر، اراده ایشان به مکان خاصی مقید نگردیده و از نظر مدت زمان بهره‌برداری، با توجه به مواد ۱۳ و ۱۴ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، باید مدت قرارداد را حداکثر ۳۰ سال دانست. این مدت در فرضی که اثر در پی سفارش ایجاد شده باشد، از تاریخ خلق اثر بوده (ماده ۱۳)، درحالی‌که در فرض انتقال اثر پس از پیدایش آن، مدت از تاریخ انتقال شروع می‌شود (ماده ۱۴). چنانچه مالک اثر (دارنده حق بهره‌برداری)،

شخص حقوقی باشد، مدت بهره‌برداری حداکثر ۳۰ سال از تاریخ انتشار یا عرضه اثر خواهد بود (ماده ۱۶). همان‌گونه که برخی از اساتید حقوق (صفایی، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، ۸۳) عنوان داشته‌اند، علت این که مبدأ حمایت از آثار متعلق به اشخاص حقوقی، تاریخ انتشار یا عرضه آن مقرر شده، این است که عمر شخص حقوقی معمولاً محدود نیست و ممکن است قرن‌ها باقی بماند.

ج- تعیین کیفیت و شیوه بهره‌برداری از اثر

یکی دیگر از مسائلی که برای تبیین موضوع قرارداد ضروری می‌نماید، ذکر شیوه بهره‌برداری از اثر است. مقصود از شیوه بهره‌برداری، نحوه استفاده از حقوق مادی اثر می‌باشد. مثلاً انتشار یک کتاب ممکن است از طریق چاپ کاغذی یا به صورت دیجیتالی انجام شود. همچنین عرضه یک اثر سینمایی ممکن است از طریق اکران در سینما یا از طریق پخش در میادین عمومی شهر یا از طریق تلویزیون صورت پذیرد. بدیهی است شیوه بهره‌برداری همچون مدت و مکان بهره‌برداری، نقش به‌سزایی در تعیین ارزش حق مورد واگذاری دارد. پیدایش شیوه‌های جدید بهره‌برداری بر اهمیت این بحث افزوده است.

ماده L131-3 قانون فرانسه و ماده ۱۴۹ قانون مالکیت فکری مصر ضمن شرط نمودن ذکر هدف^۱ از قرارداد، به لزوم بیان شیوه بهره‌برداری اشاره نموده‌اند. ماده پنج قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان برخی از شیوه‌های بهره‌برداری را بیان نموده، اما به لزوم تبیین شیوه بهره‌برداری تصریح ننموده است. البته ضرورت آن برای معلوم نمودن موضوع، از قواعد عمومی فهمیده می‌شود. سؤالی که مطرح می‌شود این است که ضمانت‌اجرای عدم تصریح به شیوه بهره‌برداری چیست؟ در پاسخ باید گفت ماهیت قرارداد در این خصوص تعیین‌کننده است. به علاوه باید توجه داشت، با توجه به نقشی که ماده ۲۲۵ قانون مدنی برای عرف قائل است، چنانچه طرفین به‌طور صریح اراده خود را در این خصوص ابراز نکرده باشند، بهره‌برداری متعارف از اثر به‌عنوان اراده ضمنی ایشان تلقی می‌گردد.

همچنین یادآوری این نکته بی‌فایده نخواهد بود که چنانچه پس از انعقاد قرارداد، شیوه‌های جدید بهره‌برداری ابداع گردد، شیوه‌های مزبور مشمول قرارداد نخواهد بود؛ زیرا هیچ‌گاه نه به‌صورت صریح و نه به‌طور ضمنی، موضوع توافق طرفین قرار نگرفته و اصل عدم نیز مقتضی این امر است. بنابراین تصور برخی از نویسندگان (صادقی و خلج، ۱۲۶) مبنی بر این که

^۱ - الغرض - destination.

می‌توان با توسل به قاعده تسلیط، اصل لزوم به قراردادها و احترام به حقوق مالکیت، شیوه‌های جدید بهره‌برداری را نیز مشمول قرارداد پیشین دانست، محل تأمل است. برخی از نویسندگان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 589, n° 966) نیز با استناد به اصل تفسیر مضیق قراردادها، نتیجه فوق را استنباط نموده‌اند.

البته سؤالی که ممکن است مطرح گردد این است که با اشتراط در قرارداد به صورت صریح یا ضمنی، آیا می‌توان بهره‌برداری‌های غیر قابل پیش‌بینی را مشمول قرارداد گرداند؟ ماده L131-6 قانون مالکیت فکری فرانسه با ملاحظاتی چنین شرطی را مورد پذیرش قرار داده است. به موجب این ماده، «شرط ناظر به اعطای حق بهره‌برداری از اثر در قالب شکل غیرقابل پیش‌بینی یا شکل پیش‌بینی نشده در تاریخ قرارداد، باید صریح و متضمن مشارکت در منافع حاصل از بهره‌برداری مزبور باشد.» بنابراین از سویی، اگر شرط مزبور صریح و بدون ابهام نباشد به نحوی که حداقل، التفات پدیدآورنده را به خود جلب نماید، محکوم به بطلان است. از سوی دیگر، صرف صریح بودن شرط، کفایت نمی‌کند، بلکه شرط مزبور باید متضمن بهره‌مندی پدیدآورنده از عوائد حاصل از شیوه نوین بهره‌برداری به صورت درصدی باشد. بنابراین تعیین مبلغ مقطوع کافی نیست. هدف از پیش‌بینی این شرط در ماده مذکور حمایت از پدیدآورندگان است که معمولاً در انعقاد قرارداد قدرت چانه‌زنی ندارند. ضمانت اجرای این حکم عدم تأثیر شرط است. (Pollaud-Dulian, 590, n° 967)

اگر شرط انتقال شیوه‌های بهره‌برداری غیرقابل پیش‌بینی با قیود پذیرفته شده در حقوق فرانسه، موجب غرری شدن قرارداد تلقی نگردد، برای پذیرش آن در حقوق ایران اشکالی وجود نخواهد داشت. در غیر این صورت، شرط مجهولی که موجب جهل به موضوع قرارداد گردد، در حقوق ایران (حائری شاه‌باغ، ۲۱۴/۱؛ امامی، ۲۸۱/۱؛ کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ۱۸۸/۳-۱۹۱) و^۱ فقه امامیه (نجفی، جواهر الکلام، ۲۰۲/۲۳؛ موسوی بجنوردی، ۲۷۹/۳؛ حسینی مراغی، ۲۸۸/۲-۲۸۹؛ نائینی، منیة الطالب، ۲۲۷/۳؛ نیز رک. اصفهانی، ۱۶۶/۵؛ محقق داماد، ۳۵۳)، به علت غرری گردیدن قرارداد، شرطی باطل و مبطل قرارداد است.

بند سوم: احکام خاص مربوط به عوض

واگذاری حقوق مادی مربوط به آثار ادبی و هنری ممکن است در قالب قراردادی معاوضی

^۱ - بند دو ماده ۲۳۳ قانون مدنی به صراحت شرط مجهولی که باعث جهل به عوضین شود را در زمره شروط باطل و مبطل ذکر نموده است.

یا مجانی صورت پذیرد. البته در فرض سکوت طرفین، مجانی بودن واگذاری حقوق، مستلزم اثبات است؛ زیرا همان‌گونه که از ماده ۲۶۵ قانون مدنی، استنباط می‌گردد و فقیهان امامی (علامه حلی، مختلف الشیعة، ۱۷۱/۶؛ ابن‌العلامة، ۳۰۷/۴-۳۰۸؛ مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ۱۶۰/۱۰؛ فاضل هندی، ۴۷۸/۷؛ محقق بحرانی، ۵۷۵/۲۱؛ طباطبائی، ۲۲۴/۹؛ طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ۱۱۲/۵-۱۱۳) نیز در موارد مختلف به آن استناد نموده‌اند، ظاهر بر عدم تبرع است و هرکس از مال یا کار دیگری منتفع گردد، باید عوض آن را پرداخت نماید. در فرض عدم توافق در خصوص عوض، به موجب مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی در باب استیفاء از مال یا کار دیگری، پدیدآورنده مستحق اجرت المثل بهره‌برداری از اثر خواهد بود. طبیعی است در فرض معوض بودن قرارداد، قواعد عمومی راجع به شرایط موضوع قرارداد در مورد عوض نیز اصولاً جاری است؛ زیرا عوض یکی از دو موضوع اصلی قرارداد را تشکیل می‌دهد.

با این همه در برخی نظام‌های حقوقی همچون حقوق فرانسه، برای تعیین میزان عوض، مقررات خاص و ویژه‌ای وضع شده است. ماده 4-131 L قانون مالکیت فکری فرانسه، اصل لزوم مشارکت پدیدآورندگان در عواید بهره‌برداری از اثر خود را پیش‌بینی نموده است. بر اساس این ماده، انتقال حقوق مادی اثر باید متضمن شرط مشارکت نسبی پدیدآورنده در عواید حاصل از فروش یا بهره‌برداری باشد. قانونگذار فرانسه با اتخاذ این راه حل درصدد مرتفع نمودن این خطر بوده که پدیدآورنده، حقوق بهره‌برداری خود راجع به اثر را با مبلغی ناچیز و مقطوع به دیگری منتقل نماید و در موفقیت‌های مالی ناشی از اثرش سهم نباشد. (Pollaud-Dulian, 595, n° 978) همچنین در توجیه این روش و منصفانه بودن آن گفته شده (Lucas, 424, n° 518) (کلمبه، ۱۶۴) که پدیدآورنده در موفقیت یا عدم موفقیت اثرش سهم می‌گردد. با این حال باید توجه داشت که برای اصل مزبور نقاط ضعفی نیز بیان شده است. از سویی، از آن جا که برای مشارکت مزبور حداقلی مقرر نشده، در نتیجه می‌توان درصد کمی از مشارکت را برای پدیدآورنده پیش‌بینی نمود که جز در مورد سوءاستفاده آشکار^۱، توافق مزبور تأمین‌کننده

^۱ - قانونگذار فرانسه در مقام حمایت از پدیدآورنده تدابیر دیگری نیز اندیشیده است. از این میان، پیش‌بینی حق تعقیب برای پدیدآورندگان آثار هنری قابل ذکر است که با تدبیر اندیشیده شده درخصوص نحوه تعیین میزان عوض در قراردادهای بهره‌برداری از اثر قابل مقایسه است.

^۲ - برخی از حقوقدانان فرانسوی (Desbois, 610, n° 561) به صراحت، موردی را که درصد بسیار ناچیزی از مشارکت برای پدیدآورنده تعیین می‌گردد، تقلب نسبت به قانون دانسته، آن را مصداق مشارکت ندانسته بلکه به

شرایط قانونی است و دادگاه نمی‌تواند متعرض آن گردد. از سوی دیگر، در موارد فراوانی تعیین مبلغ مقطوع به جای مشارکت، توسط قانونگذار فرانسه تجویز گردیده^۱ که فراوانی استثناها موجب انتفاء اصل می‌گردد. به علاوه، در صورتی که مبلغ عوض (حق تألیف) مقطوع باشد، پدیدآورنده می‌تواند در صورت وجود شرایط، درخواست تجدیدنظر در قیمت بنماید. توضیح این‌که به موجب ماده 5-132 قانون مالکیت فکری فرانسه چنانچه به واسطه غبن یا عدم پیش‌بینی صحیح عواید حاصل از اثر، خساراتی بیش از هفت دوازدهم مبلغ مورد توافق، به پدیدآورنده وارد آید، وی می‌تواند اصلاح مبلغ را درخواست نماید. حکم این ماده ناظر به فرضی است که مبلغ قرارداد به صورت مقطوع تعیین شده باشد. حال آن‌که در فرضی که مبلغ به صورت مشارکتی تعیین شده، استفاده از حق مزبور منتفی است. (کلمبه، ۱۶۴-۱۶۶)

در حقوق مصر، به موجب ماده ۱۵۰ قانون مالکیت فکری، پدیدآورنده می‌تواند در ازای انتقال تمام یا برخی از حقوق بهره‌برداری اثر، تقاضای عوضی عادلانه بر اساس مشارکت نسبی^۲ یا مبلغی مقطوع و یا ترکیبی از آن دو بنماید. البته ماده ۱۵۱ قانون مذکور مقرر می‌دارد که چنانچه موافقت مزبور موجب اجحاف به حقوق پدیدآورنده باشد یا در آینده در اثر اوضاع و احوالی که پس از قرارداد پیش می‌آید، چنین وضعیتی رخ دهد، وی می‌تواند از دادگاه تقاضای تعدیل قرارداد را بنماید. به اعتقاد برخی اساتید حقوق مصر (سنهوری، ۳۸۸/۸-۳۸۹)، چنین حکمی خلاف اصل بوده، باید به موارد منصوص قانونی بسنده نمود. چون اصل این است که عوض قرارداد جز با قرارداد جدید قابل تعدیل نیست.

در حقوق ایران در خصوص چگونگی تعیین میزان عوض، مقررات ویژه‌ای نداریم و موضوع مشمول قواعد عمومی است. بدیهی است چنانچه طرفین، مشارکت نسبی در عواید حاصل از بهره‌برداری از اثر توسط منتقل‌آلیه را شرط نموده باشند، پدیدآورنده از چنین حقی برخوردار خواهد بود. منشأ حق مزبور قراردادی است. در غیر این صورت نمی‌توان از چنین حقی برای پدیدآورنده سخن گفت. در خصوص تعدیل قرارداد نیز باید گفت، جز با توافق

مثابه مبلغ مقطوع تلقی کرده‌اند. برای ملاحظه راه حل‌های دیگر در خصوص ناچیز بودن درصد مشارکت، رک. (Pollaud-Dulian, 598, n° 986) (کلمبه، ۱۶۴-۱۶۶).

^۱ - استثنای مزبور در مواد مختلف قانون مالکیت فکری فرانسه پیش‌بینی شده است. ماده 4-131 متضمن شش مورد استثنا است. ماده 6-132 نیز در نه بند، استثنای متعددی را مطرح نموده است. برای ملاحظه تفصیل استنناها، رک: (Desbois, 615 s., n° 566 s.; Pollaud-Dulian, 599-600, n° 987-991; Lucas, 430 s., n° 530 s.).

^۲ - مشارکت نسبی ممکن بر اساس نسبتی از قیمت شمارگان اثر انتشار یافته و یا به نسبت قیمت نسخه‌هایی که فروخته می‌شود، صورت پذیرد. (رک: سنهوری، ۳۳۳/۷)

طرفین یا تصریح نصوص قانونی، امکان تعدیل قرارداد وجود ندارد^۱. در عین حال بر اساس قواعد عمومی و به موجب ماده ۴۱۶ قانون مدنی، در صورتی که هر یک از طرفین با توجه به اوضاع و احوال زمان قرارداد، دچار غبن فاحش گردیده باشند، اختیار فسخ قرارداد را خواهند داشت. بدیهی است این حق به هر یک از طرفین که مغبون شده باشد، تعلق داشته، ناظر به غبن در زمان قرارداد است و همان‌گونه که بسیاری از حقوقدانان (حائری شاه‌باغ، ۱/۲۰۲-۴۰۳؛ بروجردی عبده، ۱۹۶؛ امامی، ۱/۴۹۸؛ شهیدی، حقوق مدنی (۶)، ۵۹) و فقیهان امامی (نائینی، منیة الطالب، ۳/۱۲۲؛ خوئی، مصباح الفقاهة، ۴/۳۵۵؛ روحانی، منهاج الفقاهة، ۵/۴۱۷) اظهار کرده و حتی برخی (محقق سبزواری، ۱/۴۶۶؛ محقق بحرانی، ۱/۴۱۹؛ انصاری، المکاسب، ۵/۱۶۸) بر آن ادعای اجماع نموده‌اند، غبن حادث خیار فسخ را به دنبال نخواهد داشت. البته برخی از حقوق‌دانان (صفایی، ۲/۱۶۴) در مواردی که تغییر شرایط اوضاع و احوال موجب عسر و حرج می‌گردد، از حق فسخ برای کسی که دچار عسر و حرج شده، سخن گفته‌اند. برخی دیگر (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ۳/۱۰۲ و ۱۰۶-۱۰۷) علاوه بر قاعده عسر و حرج به قاعده لاضرر نیز به عنوان مبنای خیار غبن استناد نموده، معتقدند می‌توان از قاعده اخیر نیز برای پذیرش حق فسخ معامله در فرض غبن حادث می‌توان استفاده نمود.

البته در خصوص استناد به قاعده عسر و حرج، باید گفت همان‌گونه که برخی از استنادکنندگان به عسر و حرج (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ۳/۱۰۳ و ۱۰۶) نیز اظهار کرده‌اند، عسر و حرج در قراردادهای آبی، قابل تصور نیست. در مورد قراردادهای مستمر نیز اثبات تحقق آن به راحتی امکان پذیر نیست. به ویژه این که فسخ قرارداد به استناد عسر و حرج، ممکن است به زیان و عسر و حرج طرف مقابل نیز بینجامد که در این صورت به دلیل تعارض دو عسر و حرج، نمی‌توان به آن استناد نمود.

در هر حال پیش‌بینی مقررات ویژه‌ای در این خصوص که حقوق پدیدآورندگان را بیشتر تأمین نماید، شایسته است.

نتیجه

در برخی از نظام‌های حقوقی مانند فرانسه، کتبی بودن قراردادهای بهره‌برداری از آثار ادبی

^۱ - برای مطالعه تفصیلی در این خصوص، رک: (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ۳/۷۲ به بعد؛ بیگدلی؛ فخار طوسی، ۹۶-۱۳۶)

منابع

- قرآن کریم، کلام الله المجید.
- ابن ابی جمهور الأحسائی، *عوالی الثالی*، قم، سید الشهداء، چ ۱، ۱۴۰۳ ق.
- ابن العلامة، *ایضاح الفوائد*، قم، موسسه اسماعیلیان، چ ۱، ۱۳۸۹ ق.
- ابن طی الفقعی، *الدر المنضود*، قم، امیر، چ ۱، ۱۴۱۸ ق.
- اصفهانى، محمد حسین، *حاشیة المكاسب*، بی‌جا، ذوی القربی، چ ۱، ۱۴۱۹ ق.
- امامی، سید حسن، *حقوق مدنی*، چ ۱، تهران، کتابفروشی اسلامی، چ ۱۵، ۱۳۷۴.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، *الوصایا و الموارث*، قم، المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصاری، چ ۱، ۱۴۱۵ ق.
- ، *صیغ العقود و الايقاعات*، قم، مجمع انديشه اسلامي، چ ۱، ۱۴۲۱ ق.
- ، *کتاب المكاسب*، قم، المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصاری، چ ۲، ۱۴۲۰ ق.
- بروجردی عبده، محمد، *حقوق مدنی*، تهران، انتشارات مجد، چ ۱، ۱۳۸۰.
- بیگلدی، سعید، *تعديل قرارداد*، تهران، میزان، چ ۱، ۱۳۸۶.
- حائری شاه باغ، سید علی، *شرح قانون مدنی*، تهران، کتابخانه گنج دانش، چ ۲، ۱۳۸۲.
- حر عاملی، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چ ۲، ۱۴۱۴ ق.
- حسینی حائری، سید کاظم، *فقه العقود*، قم، مجمع الفكر الإسلامی، ۱۴۲۸ ق.
- حسینی عاملی، سید محمد جواد، *مفتاح الكرامة*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ ۱، ۱۴۲۴ ق.
- حسینی مراغی، میرفتاح، *العناوين الفقهية*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چ ۱، ۱۴۱۸ ق.
- حکیم، سید محسن، *نهج الفقاهه*، قم، انتشارات ۲۲ بهمن، بی‌تا.
- خمينی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، *کتاب البيع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی، چ ۱، ۱۴۲۱ ق.
- خوئی، سید ابوالقاسم، *محاضرات فی أصول الفقه*، (تقریرات توسط اسحاق فیاض)، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چ ۱، ۱۴۱۹.
- ، *مصباح الفقاهة*، قم، مكتبة الداوری، چ ۱، ۱۳۷۷.
- روحانی، سید محمد صادق، *فقه الصادق (ع)*، چ ۱۵، قم، مؤسسه دار الكتاب، چ ۳، ۱۴۱۲ ق.

- ، *فقه الصادق (ع)*، ج ۱۹ و ۲۰، قم، مؤسسة دار الكتاب، چ ۳، ۱۴۱۴ ق.
- ، *منهاج الفقاهة*، قم، علمیه، چ ۴، ۱۴۱۸ ق.
- زرکلام، ستار، *حقوق مالکیت ادبی و هنری*، تهران، انتشارات سمت، چ ۱، ۱۳۸۷.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، *الوسیط فی شرح القانون المدني الجديد*، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقية، چ ۳، ۱۹۹۸ م.
- سید بن طاووس، *فتح الأبواب*، بیروت، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الأفهام*، ج ۱۳، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، چ ۱، ۱۴۱۸ ق.
- ، *مسالك الأفهام*، ج ۵، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، چ ۱، ۱۴۱۴ ق.
- شهیدی، مهدی، *تشکیل قراردادها و تعهدات*، تهران، نشر حقوقدان، چ ۱، ۱۳۷۷.
- ، *حقوق مدنی (۳)*، تعهدات، تهران، انتشارات مجد، چ ۷، ۱۳۸۴.
- ، *حقوق مدنی (۶)*، تهران، انتشارات مجد، چ ۳، ۱۳۸۴.
- صادقی، محمود و خلیج، یوسف، «حمایت از مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط در محیط مجازی»، *مجله فقه و حقوق*، سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۸۶، صص ۱۱۵-۱۴۴.
- صفایی، سید حسین، *حقوق مدنی و حقوق تطبیقی*، تهران، نشر میزان، چ ۲، ۱۳۸۶.
- ، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، ج ۱، اشخاص و اموال تهران، بنیاد حقوقی میزان، چ ۷، ۱۳۸۷.
- ، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، ج ۲، قواعد عمومی قراردادها، تهران، نشر میزان، چ ۴، ۱۳۸۵.
- طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، *حاشیه المکاسب (چاپ سنگی)*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۸.
- ، *العروة الوثقی*، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، چ ۱، ۱۴۲۰ ق.
- طباطبائی، سید علی، *ریاض المسائل*، ج ۸، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۹ ق.
- عراقی، سید عزت الله، *حقوق کار (۱)*، تهران، سمت، چ ۴، ۱۳۸۴.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف، *مختلف الشیعة*، ج ۵، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۵ ق.
- ، *تذکره الفقهاء (ط. ج)*، ج ۱۰، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چ ۱،

۱۴۲۰ ق.

—، تذکرة الفقهاء (ط. ق)، ج ۲، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، طبعة حجرية، بی تا.

—، قواعد الأحكام، ج ۲، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ج ۱، ۱۴۱۸ ق.

—، نهاية الأحكام، ج ۲، قم، مؤسسة إسماعیلیان، ج ۲، ۱۴۱۰ ق.

فاضل هندی، كشف اللثام (ط. ج)، مؤسسة النشر الإسلامی، ج ۱، ۱۴۲۰ ق.

فخار طوسی، جواد، «پژوهشی در تعدیل قرارداد»، مجله فقه اهل بیت فارسی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۹۶-۱۳۶.

فخلعی، محمد تقی، «تحول آرای فقیهان امامی در باب روشها و ابراز انشای عقد همراه با تحلیل دیدگاه امام خمینی (س)»، فصلنامه متین، شماره ۴۴، ۱۳۸۸، صص ۴۷-۷۳.

قارپوزآبادی قزوینی، ملا علی، صیغ العقود و الإیقات، قم، انتشارات شکوری، ج ۱، ۱۴۱۴ ق. قبولی درافشان، سید محمد مهدی، و محسنی، سعید، «قلمرو بطلان نسبی»، پژوهش حقوق، شماره ۱۳، ش ۳۴، پاییز ۱۳۹۰، صص ۴۰۱-۴۲۶.

قدیری، محمد حسن، کتاب البیع، تهران، مؤسسة تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱، ۱۴۱۸ ق. قمی، میرزا ابوالقاسم، جامع الشتات (فارسی)، تهران، انتشارات کیهان، ج ۱، ۱۳۷۱.

کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ج ۷، ۱۳۸۵.

—، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲ و ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ج ۴، ۱۳۷۶.

—، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، ج ۱۴، ۱۳۸۵.

کلمبه، کلود، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه علی رضا محمدزاده وادقانی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.

محسنی، سعید و قبولی درافشان، سید محمد مهدی، «مفهوم و آثار بطلان نسبی»، مجله دانش و توسعه، سال هفدهم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۸۹، صص ۲۴۵-۲۷۰.

محقق بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۱۹، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ج ۱، بی تا.

—، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۲۱، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳.

- اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۲۲ و ۲۳، تهران، دار الکتب الإسلامية، چ ۷، ۱۳۶۸.
- ، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۲۷، تهران، دار الکتب الإسلامية، چ ۶، ۱۳۹۴ ق.
- نمازی شاهرودی، علی، *مستدرک سفینه البحار*، ج ۱، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
- ، *مستدرک سفینه البحار*، ج ۷، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
- نوری، میرزا حسین، *خاتمه المستدرک*، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم السلام لإحياء التراث، چ ۱، ۱۴۱۵ ق.
- وحدتی شبیری، حسن، *مجهول بودن مورد معامله*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۹.
- وحید بهبهانی، محمد باقر، *حاشیه مجمع الفائدة و البرهان*، بی‌جا، مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی، چ ۱، ۱۴۱۷ ق.
- آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی* مصوب ۶ تیر ۱۳۵۵.
- آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی* مصوب ۱۳۸۷.
- قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی* مصوب ۱۳۷۹.
- قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی* مصوب ۱۳۵۲.
- قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای* مصوب ۱۳۷۹.
- قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان* مصوب ۱۳۴۸.
- قانون حمایت حقوق الملكية الفكرية* مصوب ۲۰۰۲.
- قانون مدنی ایران*.

Code civil.

Code de la propriété intellectuelle.

Code de l'industrie cinématographique.

Code du cinéma et de l'image animée créé par Ordonnance n°2009-901 du 24.

Colombet, Claude, *propriété littéraire et artistique*, Paris, Dalloz, 1976.

Desbois, Henri, *Le droit d'auteur*, Paris, Dalloz, 2^e éd., 1966.

Flour, J., Aubert, J. L. et Savaux, É., *Les obligations, L'acte juridique*, Paris, Armand Colin et Delta, 2^e éd., 2002.

Lucas, A. et H.-J., *traité littéraire et artistique*, Litec, 2^e éd., 2001.

Marty, Gabriel et Raynaud, Pierre, *Droit civil, les obligations*, T.1, 2^e éd., Paris, Sirey, 1988.

Pollaud-Dulian, Frédéric, *Le droit d'auteur*, Paris, Economica, 2005.

Weill, Alex et Terré, François, *Droit Civil, les obligations*, 3^e éd., Paris, Dalloz, 1980.

